

# حافظ در آئینه شاه مولی محمد دارابی

■ محمدرضا درآنی نژاد - دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه کرمان

مؤلف آن و نگرش خاصی در زمینه شعر حافظ است. و بدون هیچ مداهنه کتابی است که ارزش آن را دارد که چندین بار خوانده شود و در تفسیرات و توجیحات آن غور و فحوص به عمل آید شاه مولی محمد بن محمد دارابی در کتاب لطیفه غیبی از مآخذ زیر استفاده کرده است:

- ۱- قرآن مجید ۲- تفصیل الآیات ۳- حافظ ۴- کلیات سعدی ۵- مطول تفتازانی ۶- لب لباب مننوی
- باب اول کتاب در بیان ابیات مشکل است که دو مورد آن را برگزیده‌ام که با هم می‌خوانیم:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد  
معنی بی تکلفانه اولاً اینکه از گفته پیر و مرشد معلوم باشد که خطا بر قلم صنع نرفته که اگر با علام پیر این مسئله بر ما معلوم نمی‌شد ما از غایت نقصانیکه داریم توهم می‌کردیم که خطا بر قلم صنع رفته و این خطاست که کسی اعتقاد خطا در کارخانه الهی راه دهد آفرین بر نظر پاک

خطا پوش پیر باد که خطای ما را پوشید یعنی نگذاشت که از ما این گمان خطا که خطا بر قلم صنع رفته سرزند زیرا که عالم بر ابلغ نظام مخلوقست

یعنی بهتر از این متصور نیست، ثانیاً اینکه بگوئیم که نظر خطا پوش یعنی خطا را نمی‌بیند از اینجهت است که خطا نیست و این در حکم قضیه سالبه است و صدق سالبه مستلزم وجود موضوع نیست چه تواند بود که صدقش بواسطه عدم موضوع باشد مثل اینکه بگوئیم عنفا طائر نیست یا آنکه موضوع باشد و محمول از او مسلوب باشد همچون انسان حجر نیست و خطا پوش در این مقام از قبیل اولی است یعنی در واقع چون خطا نیست نظر پیر و مرشد کامل مطابق واقع کتاب صنع را مطالعه می‌فرماید و چنانچه خالی از خطاست او نیز خالی از خطا می‌بیند مثل آنکه کاتب خط بی غیبی نوشته باشد و معیّری چنانچه هست او را بیند کاتب گوید آفرین بر این معیز باد که خط مرا بی عیب دید یعنی چنانچه در واقع بی عیب بود ملاحظه نمود و ناقصان از غایت نقصی که دارند صواب را خطا می‌بینند و موبد این معنی تصریح لسان الغیب در این بیت است

کمال سر محبت بسین نه نقص گناه

که هر که بی هنر اوفتد نظر به عیب کند  
پس گویا لسان الغیب فرموده که آفرین بر نظر پاک خطا پوش پیر و مرشد باد که صفحه صنع را چنانکه هست خالی از خطا می‌بیند و دلیل بر اینکه ناقص صواب را خطا می‌بیند و خطا چون در واقع نیست از نظر جهل کمال به کمال پوشیده است.

نیست در دایره يك نقطه خلاف از کم و بیش

که من این مسئله بی‌چون و جسرا می‌بینم

با آنکه بگوئیم که آنچه به اعتقاد جاهلان خطاست پیر و مرشد آن را پوشیده هر چند در واقع خطا نیست چنانچه امام ثامن ضامن علیه السلام در توجیه آیه کریمه (لیغفرلک الله ماتقدم من ذنبک و ما تأخر) فرمود که با محمد (ص) ما فتح مکه نصیب تو کردیم تا معلوم کفار قریش گردد که آنچه به اعتقاد قریش گناه است که سب الهه باطله باشد بخشیده ایم چه اعتقاد قریش این بود که پیغمبر بواسطه این گناه که عبارت از بی حرمتی نسبت به بتان و الهه باطله ایشانست از طواف کعبه در این مدت که در مدینه بود محروم مانده.

و اما بیت دوم از شرح ابیات مشکله

گاهی در تاریخ به نام مردان بزرگی برمی‌خوریم که خدمات شایانی در راه گسترش فرهنگ ناب اسلامی انجام داده‌اند اما کمتر کسی با آنها آشناست.

یکی از این مردان بزرگ (شاه مولی محمد بن محمد دارابی) است. از تاریخ ولادت و وفات این مرد بزرگ (حداقل برای اینجانب) اطلاعی در دست نیست اما تا آنجائیکه از کتاب فصل الخطاب نوشته سید قطب الدین محمد نیریزی برمی‌آید با شاه سلطان حسین صفوی معاصر بوده است و ناگفته نماند که سید قطب الدین در سنه ۱۱۷۳ در نجف اشرف رحلت فرموده و در وادی السلام مدفون گشته است.

عالم مذکور در شرح حال شاه مولی می‌گوید:

فضلائی که مرا با ایشان ملاقات واقع شده و با من در یک عصر بودند اول ایشان است عالم فاضل و متبحر کامل استاد و شیخ اجازه من از طریق روایت ائمه معصومین صلوات اله و سلام علیهم اجمعین. جامع علوم عقلیه و نقلیه و حاوی مسائل اصولیه و فروعیه علامه زمان و دانشمند دوران مولی شاه محمد دارابی قدس اله روحه و این جناب در عصر خویش استاد کل فضلائی شیراز بود.

شاه مولی محمد بن محمد دارابی تألیفات زیادی داشته است که از آن جمله می‌توان از دو کتاب رساله المعراج و لطیفه غیبی نام برد. کتاب لطیفه غیبی شامل موارد زیر است:

۱- از صفحه اول تا ۱۳۳ شرح اشعار مشکله لسان الغیب (حافظ شیرازی)

۲- از صفحه ۱۳۴ تا ۱۴۲ در بیان اصطلاحات اهل عرفان

۳- از صفحه ۱۴۳ تا ۱۵۲ تطبیق اشعار با آیات بینات قرآن مجید  
محمد بن محمد دارابی غرض خود را از تألیف چنین کتابی به شرح زیر بیان می‌دارد: مقصد از تقریب این مقال آنکه از عزیزانی که فی الجملة قوه نظمی و طبع شعری نیز دارد و چهره سخشن را به خط و خال استعارات و گلگونه تشبیهات می‌آزاید مکرر مسموع شده و می‌شود که شعر خود را بر کلام لسان الغیب ترجیح می‌دهد بلکه مذمت سخنانش می‌نماید. و این شیرازه بند دفتر نادانی و عجزت گزین زاویه خمول محمدین محمد دارابی از راه امحاض نصیح و تنبیه غفلت آن غافل، مرتکب جواب این شبهه ناصواب گشت. کتاب شریف لطیفه غیبی در حدود ۴۸ سال پیش با مقدمه آقامیرزا احمد عبدالحی مرتضوی تبریزی از طرف کتابخانه احمدی شیراز چاپ و منتشر گردید. و در سال ۱۳۵۷ به علت نایابی کتاب مجدداً با مقدمه آقای دکتر نورانی وصال و خط زیبای (نستعلیق) خلیل فرقانی به چاپ رسیده است.

دکتر نورانی وصال در مقدمه ای بر چاپ جدید چنین می‌گوید:

شعر حافظ از زاویه های گوناگون قابل ملاحظه است. فقیه و عارف هر دو از شعر او بهره می‌برند و به مذاق خود ابیات او را توجیه می‌نمایند. آن مقدار از آیات قرآنی که در کلام وی مندرج است در کمتر دیوانی توان یافت و آن اندازه اشارات گوناگون به احادیث نبوی که در سخن وی وجود دارد در نظم کمتر شاعری مشاهده می‌شود. بسیاری از کلمات در شعر حافظ با از دایره معنی متداول زمان بیرون می‌نهند و مفاهیم متعالی و باشکوهی می‌گیرند. شعر حافظ همه زیبایی، شکوه و افسونگری است. هر کس که کلام او را بشنود مسحور می‌شود.

در کتاب حاضر که به نام لطیفه غیبی مسمی است از دریچه خاص به شعر حافظ نظر افکنده شده است و حقا کتابی است که دال بر روشن بینی

کرمان

«واصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين» سوره ۱۱ آیه ۱۱۷ یکی از جنبه‌های مهم دیوان لسان الغیب تغال به آن کتاب شریف است.

شاه مولی نیز از مساله غافل نبوده و در این مورد در کتاب شریف لطیفه غیبی می فرماید:

در هر عصر و اوان هر کس از روی بی غرضی و صدق و صفا تغال زده غزلی بیان واقع امر مقصود او آمده است و به این جهت ایشان را لسان الغیب می گویند که تغالانی که از دیوان ایشان زده میشود غزلی که می آید نازل منزله غیب است.

و آنچه در عصر این کمیته مؤلف روی داده اینست که فتحعلی بیگ پسر امام قلی خان در نهایت حسن و جمال، رنگ و رخسار دلغریب را از پاده گلرنگ دو آتشه نموده قیای سبز زرافشانی بر قامت رعنا سرو آسا مرتب ساخته بخانه سوزی دل‌های ویران برداخته روز جشن که اواخر ماه رجب باشد به زیارت مزار آن سرحلقه ارباب عرفان آمد و از دیوان بلاغت نشانش تغالی نموده به فالش این بیت آمد.

سرمست در قیای زرافشان چو بگذری  
یک بوسه نذر حافظ پشمینه بپوش کن  
در این حالت فتحعلی بیگ فرمودند نذر کردیم چون در ایفای وعده تأخیری رخ نمود چنین مشهور است که در هفته دیگر که به زیارت آمدند باز از دیوان اعجاز بیانش تغالی زدند به فالش غزلی آمد که این یک شعرش هست.

گفته بودی که شوم مست و دو پوست بدهم  
وعده از حد بشد و ما نه دو دیدیم و نه یک  
در آنحال سنگ مزار آن زنده دل را غرق بوسه ساخت.

● آری شاه مولی محمد بن محمد دارایی در کتاب لطیفه غیبی در باب اول خود ۷۲ بیت را در ۳ بخش

۱- ابیاتی که به حسب ظاهر اشکال و خفایی دارند.  
۲- ابیاتی که ابضاح آن موقوف بر توضیح اصطلاح اهل تصوف است.

۳- ابیاتی که ظاهراً موافق اصول اشعریست و حال آنکه مراد آن نیست.  
را شرح و تفسیر نموده اند.

● در باب دوم ۲۳۲ لغت عرفانی را معنی می کند.  
و در باب سوم ۶۸ بیت از دیوان حافظ را با آیات قرآنی تطبیق می دهد.  
و به نظر حقیر شاه مولی تنها یک جرعه از درهای معرفت لسان الغیب توانیده است!

«من هماندم که وضو ساختم از چشمه عشق  
چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست»  
وضو ساختن از چشمه عشق از لوث انانیت بالمره پاک شدنست و چهار تکبیر عبارت است از چهار قسم فناست که فنای آناری و فنای افعالی و فنای صفاتی و فنای ذاتی باشد. فنای آناری عبارتست از آنکه سالک آثار موجودات را در آثار وجود حقیقی مضمحل ببیند چنانکه بغیر از آثار او آناری نبیند. (و علی هذا القیاس)

فنای افعالی و صفاتی و ذاتی می فرماید که من هماندم که از کدورات و شوائب هستی و انانیت و ظلمات غواشی جسمانیت بر آمدم این مراتب چهارگانه که به منزله اسفار اربعه است برای من حاصل شده و تفصیل این مراتب چهارگانه را لسان الغیب در غزل دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند تا آخر فرموده اند.

□

### باب دوم

باب دوم کتاب اختصاص دارد به بیان اصطلاحات اهل عرفان:

- دیر خرابات: عالم معنی و باطن عارف کامل است
- کافر: کسی را گویند که غرق وحدت شده باشد و همه چیز بجز حق در نظر او مستور است
- زنار: کمر محبت مرشد کامل بر میان بستن
- کلیسا و کشت: عالم یقین و مقام ظهور است
- غمزه و بوسه: فیض و جذبه باطن را گویند که نسبت به سالک روی دهد
- خال: ذات را گویند از سیاهی همچنانکه راه به در نیست از ذات نیز راه بدر نیست و کسی بی به کنه ذات نبرد.
- لب و دندان: هفت صفت حیات است
- چشم و ابرو: صفت کلام غیبی را گویند که بر قلب عارف واقع شود.
- قلاش و قلندر: جمعی را گویند که از هوای نفسانی رسته باشند

و الی آخر

### باب سوم

در باب سوم کتاب شاه مولی محمد بن محمد دارایی اشعار لسان الغیب را با آیات بینات قرآن مجید تطبیق می دهد:

- (۱) من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش  
هر کسی آن درود عاقبت کارش که کشت  
اشاره به آیه شریفه [ولاتزر وازرة وزر اخری] سوره ۲۵ آیه ۶۸
- (۲)

در حکمت سلیمان هر کس که شک نماید  
بر عقل و دانش او خشنود میرغ و ماهی  
[ولقد آتینا داود و سلیمان علما و قال الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین]  
(سوره ۲۷ آیه ۱۵)

بیت (۳)  
عزیز مصر به زعم برادران غبور  
ز قعر جاه برآمد به اوج ماه رسید  
او جانت سیاره فارسو واردهم فادلی دلوه قال با بشری هذا غلام و  
اسروه بضاعة و الله علیم بما يعملون [سوره ۱۲ آیه ۹]

بیت (۴)  
بانگ گاوی چو صدا باز دهد عشوه مخر  
سامری کیست که دست از بد و بیضا نبرد  
او نزع بده فاذهی بیضا للناظرین [سوره ۱۰۶ آیه ۱۰۶]

بیت (۵)  
دلاور عاشقی نهایت قدم باش  
که در این ره نباشد کار بی اجر

**لطیفه غیبی**  
حاوی توضیح اشعار مشکله  
حضرت خواجہ شمس الدین محمد  
**حافظ شیرازی**  
بضمیمه بیان اشعار احادیث عرفان  
تالیف  
محمد ابن محمد الدارابی  
از اشعار است که تجا به اسمی شیرازی  
تاریخ: در دفتر خط کتبخانه و سبب و نحوه تحریر  
برای: با و بجزاره و سبب و نحوه و سبب تحریر